

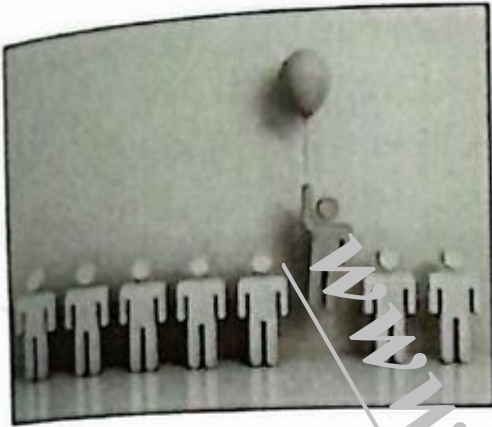
فهرست مطالب

۵	درباره نویسنده.....
۷	پیشگفتار.....
۱۳	بخش اول: مقدمه.....
۱۴	فصل ۱ مقدمه‌ای بر نظریه شخصیت.....
۳۳	بخش دوم: نظریه‌های روان‌پویشی.....
۳۴	فصل ۲ فروید: روانکاوی.....
۹۵	فصل ۳ آدلر: روان‌شناسی فردی.....
۱۲۷	فصل ۴ یونگ: روان‌شناسی تحلیلی.....
۱۸۶	فصل ۵ کلاین: نظریه روابط شیء.....
۲۲۱	فصل ۶ هورنای: نظریه روانکاوی اجتماعی.....
۲۵۴	فصل ۷ اریکسون: نظریه پسا فرویدی.....
۲۹۷	فصل ۸ فروم: روانکاوی انسان‌گرا.....
۳۳۱	بخش سوم: نظریه‌های انسان‌گرایانه وجودی.....
۳۳۲	فصل ۹ مزلو: نظریه کل‌نگر-پویشی.....
۳۷۷	فصل ۱۰ راجرز: نظریه شخص‌محور.....
۴۱۹	فصل ۱۱ می: روان‌شناسی وجودی.....
۴۵۷	بخش چهارم: نظریه‌های آمادگی شخصیتی.....
۴۵۸	فصل ۱۲ آلپورت: روان‌شناسی فردی.....
۴۹۳	فصل ۱۳ نظریه صفت پنج عاملی مک‌کری و کاستا.....

۵۲۳	بخش پنجم: نظریه‌های زیستی/تکاملی
۵۲۳	فصل ۱۴ نظریه عامل‌های مبتنی بر زیست‌شناختی ایزنک
۵۵۳	فصل ۱۵ باس: نظریه تکاملی شخصیت
۵۸۹	بخش ششم: نظریه‌های یادگیری شناختی
۵۹۰	فصل ۱۶ اسکینر: تحلیل رفتاری
۶۳۳	فصل ۱۷ بندورا: نظریه شناخت اجتماعی
۶۷۵	فصل ۱۸ راتر و میشل: نظریه یادگیری شناختی-اجتماعی
۷۲۲	فصل ۱۹ کیلی: روان‌شناسی سازه‌های شخصی

www.abadisteb.pub

مقدمه‌ای بر نظریهٔ شخصیت



◆ شخصیت چیست؟

◆ نظریه چیست؟

تعریف نظریه

نظریه و عوامل مرتبط با آن

چرا نظریه‌های مختلف وجود دارند؟

دیدگاه‌های موجود در نظریه‌های شخصیت

شخصیت نظریه‌پردازان و نظریه‌های آنها در مورد شخصیت

چه چیزی یک نظریه را مفید می‌کند؟

◆ ابعاد مفهوم ماهیت انسان

◆ تحقیق در نظریهٔ شخصیت

◆ اصطلاحات و مفاهیم کلیدی

◆ منابع

چرا مردم مثل خودشان رفتار می‌کنند؟ آیا افراد برای شکل دادن به شخصیت خود، حق انتخابی دارند؟ دلیل شباهت‌ها و تفاوت‌ها بین افراد چیست؟ چه چیزی باعث می‌شود افراد به روش‌های قابل پیش‌بینی عمل کنند؟ چرا غیرقابل پیش‌بینی هستند؟ آیا نیروهای پنهان و ناخودآگاه، رفتار افراد را کنترل می‌کنند؟ چه چیزی باعث اختلالات روانی می‌شود؟ رفتار انسان بیشتر بر اساس وراثت شکل می‌گیرد یا محیط؟

برای قرن‌ها، فیلسوفان، الهی‌دانان و سایر متفکران، این پرسش‌ها را در حالی مطرح می‌کردند که در مورد ماهیت انسان می‌اندیشیدند - یا حتی به این فکر می‌کردند که آیا انسان‌ها طبیعتی اساسی و بنیادین دارند یا خیر. تا زمان‌های نسبتاً اخیر، متفکران بزرگ در یافتن پاسخ‌های رضایت‌بخش برای این سؤالات، پیشرفت چندانی نداشتند. با این حال، بیش از ۱۰۰ سال پیش، زیگموند فروید شروع به ترکیب گمانه‌زنی‌های فلسفی با یک روش علمی بدوی کرد. فروید به عنوان یک متخصص مغز و اعصاب که در زمینه علم آموزش دیده بود، شروع به گوش دادن به بیمارانش کرد تا بفهمد چه تعارضات پنهانی در پشت مجموعه علائم آنها نهفته است. «گوش دادن برای فرود چیزهای بیشتری از یک هنر شد. این تبدیل به یک روش، راهی ممتاز به سوی دانش سلسله‌ای که بیمارانش برای او ترسیم کردند» (گی، ۱۹۸۸، ص ۷۰).

در واقع، فروید اولین کسی بود که یک نظریهٔ «افعالاً مدرن از شخصیت، عمدتاً بر اساس مشاهدات بالینی خود، ایجاد کرد. او یک «نظریهٔ بزرگ» را توسعه داد، یعنی نظریه‌ای که سعی داشت تمام شخصیت را برای همهٔ مردم توضیح دهد. همانطور که در طول این کتاب می‌بینیم، بسیاری از نظریه‌پردازان دیگر از دیدگاه‌های مختلف، نظریه‌های بزرگ جایگزین را توسعه داده‌اند. روند کلی در طول قرن بیستم این بود که نظریه‌ها را بیشتر و بیشتر بر مشاهدات علمی و نه بر اساس مشاهدات بالینی استوار کرد. با این حال، هر دو منبع، مبنای معتبری برای نظریه‌های شخصیت هستند.

شخصیت چیست؟

انسان‌ها در منحصربه‌فرد بودن و تنوع بین اعضای نژادها به صورت جداگانه، تنها نیستند. اعضای هرگونه از جانداران، تفاوت یا تنوع را نشان می‌دهند. در واقع، حیواناتی مانند هشتاپیان، پرندگان، خوک‌ها، اسب‌ها، گربه‌ها و سگ‌ها در نوع خود تفاوت‌های منحصربه‌فرد ثابتی دارند که به عنوان شخصیت شناخته می‌شود (دینگمانس، بوس، درنت، ون اورز و ون نوردویک، ۲۰۰۲؛ گاسلینگ و جان، ۱۹۹۹؛ واینستین، کاپیتانیو و گاسلینگ، ۲۰۰۸). اما میزان تفاوت انسان‌ها از یکدیگر، چه از نظر جسمی و چه از نظر روانی، بسیار شگفت‌انگیز و تا حدودی در میان گونه‌ها منحصربه‌فرد است. برخی از ما ساکت و درون‌گرا هستیم، برخی دیگر مشتاق تماس اجتماعی و انگیزش هستیم؛ برخی از ما آرام و یکنواخت هستیم، در حالی که برخی دیگر سرسخت و دائماً مضطرب هستیم. در این کتاب، توضیحات و ایده‌هایی را که

مردان و زنان مختلف در مورد چگونگی ایجاد این تفاوت‌ها در شخصیت انسان دانشمند بررسی می‌کنیم.

روان‌شناسان در مورد معنای شخصیت با یکدیگر اختلاف نظر دارند. اکثراً موافق اصطلاح «شخصیت» از کلمه لاتین *persona* (پرسونا) نشأت گرفته است که به نقاب تئاتری اشاره دارد که بازیگران رومی در نمایش‌های یونانی از آن استفاده می‌کردند. این بازیگران رومی باستان برای نمایش یک نقش یا ظاهر دروغین، ماسک (شخصیت) می‌پوشیدند. این نگاه سطحی به شخصیت، البته تعریف قابل قبولی نیست. هنگامی که روان‌شناسان از اصطلاح «شخصیت» استفاده می‌کنند، به چیزی بیشتر از نقشی که مردم ایفا می‌کنند اشاره دارند.

با این حال، نظریه‌پردازان شخصیت بر یک تعریف واحد از شخصیت توافق نکرده‌اند. در واقع، آنها نظریات منحصربه‌فرد و حیاتی را تکامل دادند، زیرا در مورد ماهیت انسانیت توافق نداشتند، و به این دلیل که هر یک، شخصیت را از یک نقطه مرجع فردی می‌دیدند نظریه‌پردازان شخصیت که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته‌اند، زمینه‌های گوناگونی داشته‌اند. برخی در اروپا به دنیا آمدند، تمنای زندگی خود را در آنجا گذراندند؛ دیگران در اروپا متولد شدند، اما به سایر نقاط جهان، به ویژه ایالات متحده مهاجرت کردند؛ دیگران در آمریکای شمالی متولد شدند و در آنجا ماندند؛ بسیاری تحت تأثیر تجربیات مذهبی اولیه قرار گرفتند؛ دیگران این گونه نبودند. بسیرا، اما نه همه، در زمینه روان‌پزشکی یا روان‌شناسی آموزش دیده‌اند. بسیاری از تجربیات خود به عنوان روان‌درمانگر استفاده کرده‌اند؛ دیگران بیشتر بر تحقیقات تجربی برای جمع‌آوری داده‌ها در مورد شخصیت انسان تکیه کرده‌اند. اگرچه همه آنها به نوعی به آن تکیه می‌کنند، اما شخصیت می‌نامیم سروکار داشته‌اند، اما هر یک از منظر متفاوتی به این مفهوم جهانی پرداخته‌اند. برخی کوشیده‌اند نظریه‌ای جامع بسازند؛ دیگران کنز جاه‌طلب بوده‌اند و تنها با چند جنبه از شخصیت سروکار داشته‌اند. تعداد کمی از نظریه‌پردازان شخصیت به طور رسمی شخصیت را تعریف کرده‌اند، اما هر کدام، دیدگاه خودشان را نسبت به آن داشته‌اند.

اگرچه هیچ تعریف واحدی برای همه نظریه‌پردازان شخصیت قابل قبول نیست، اما می‌توان گفت که شخصیت، الگویی از صفات نسبتاً دائمی و ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که به رفتار فرد، ثبات و فردیت می‌بخشد (رابرتس و مروچک، ۲۰۰۸). صفات به تفاوت‌های فردی در رفتار، ثبات رفتار در طول زمان و ثبات رفتار در موقعیت‌ها کمک می‌کنند. صفات ممکن است منحصربه‌فرد، مشترک برای برخی گروه‌ها یا مشترک در کل گونه باشد، اما الگوی آنها برای هر فرد متفاوت است. بنابراین هر فرد، اگرچه از جهانی، مانند دیگران است، اما شخصیت منحصربه‌فردی دارد. منش، ویژگی‌های منحصربه‌فرد یک شخص است که شامل ویژگی‌هایی مانند خلق و خو، هیکل و هوش است.



هیچ دو نفری، حتی دوقلوهای همسان، دقیقاً شخصیت مشابهی ندارند.

نظریه چیست؟

کلمه «نظریه» دارای تمایز نامعلومی است که یکی از بد کاربردترین و اشتباه‌ترین کلمات در زبان انگلیسی است. برخی از افراد، نظریه را با حقیقت یا واقعیت مقایسه می‌کنند، اما چنین تضادی نشان‌دهنده عدم درک اساسی هر سه اصطلاح است. در علم، نظریه‌ها ابزارهایی هستند که برای تولید تحقیق و سازمان‌دهی شواهدات استفاده می‌شوند، اما نه «حقیقت» و نه «واقعیت»، در اصطلاح علمی جان ندارند.

تعریف نظریه

یک نظریه علمی مجموعه‌ای از مفروضات مرتبط است که به دانشمندان اجازه می‌دهد تا از استدلال قیاسی-منطقی برای صورت‌بندی فرضیه‌های قابل آزمایش استفاده کنند. این تعریف نیاز به توضیح بیشتری دارد. اول، یک نظریه، مجموعه‌ای از مفروضات است. یک فرض واحد هرگز نمی‌تواند تمام الزامات یک نظریه کافی را برآورده کند. برای مثال، یک فرض واحد نمی‌تواند چندین شواهدات را ادغام کند، کاری که یک نظریه مفید باید انجام دهد. دوم، یک نظریه، مجموعه‌ای از مفروضات مرتبط است. مفروضات مجزا، نه می‌توانند فرضیه‌های معناداری ایجاد کنند و نه سازگاری درونی داشته باشند - مواردی که دو معیار یک نظریه مفید هستند.